

اثر بخشی برنامه مداخله‌ای روابط والد- نوجوان
بر تعاملات بین نسلی خانوادگی

Effects of the intervention program of parent - adolescent
relationship on Intergenerational Interactions

M. Shokoohi-Yekta, Ph.D.

دکتر محسن شکوهی یکتا*

S. Akbari Zardkhaneh, Ph.D.

دکتر سعید اکبری زردخانه**

M. Mahmoodi, Ph.D.

دکتر مریم محمودی***

M. Mahdavi, M.A.

مجتبی مهدوی****

چکیده

محیط خانواده و برخورد والدین با نوجوان تأثیر قابل ملاحظه‌ای در تحول شخصیت فرد می‌گذارد. از جمله مشکلاتی که والدین با آن مواجه هستند، کمبود اطلاعات در مورد تغییرات تحولی طبیعی در دوره نوجوانی و کمبود اطلاعات در مورد شیوه‌های والدگری است؛ بنابراین وجود برنامه‌ای که هر دو این مؤلفه‌ها را پوشش دهد، ضروری به نظر می‌رسد. در این راستا، پژوهش حاضر با هدف بررسی اثر بخشی برنامه مداخله‌ای بهبود روابط والدین و نوجوانان بر شیوه‌های والدگری و رابطه والد- نوجوان طراحی و اجرا گردید. مطالعه حاضر از نوع

*. استاد دانشگاه تهران

** استادیار گروه روانشناسی تربیتی و تحولی دانشگاه شهید بهشتی

*** دکتری روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی دانشگاه علامه طباطبائی

**** دانشجوی دکتری روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی دانشگاه تهران

شبه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون تک‌گروهی است. گروه نمونه شامل ۶۵ نفر از والدین دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و دبستانی شهر تهران بود. مقیاس شیوه والدگری بامریند و سیاهه رابطه والد-فرزند پیش از مداخله و پس از آن توسط شرکت‌کنندگان تکمیل شد. یافته‌ها حاکی از آن است که برنامه آموزش والدین تنها بر رضایت از والدگری تأثیر معناداری داشته ($p < 0.05$) و بر سایر متغیرها اثرگذار نبوده است. خرده‌مقیاس رضایت از والدگری، سازه‌ای را در برمی‌گیرد که از پویایی بیشتری برخوردار است، اما پنج خرده‌مقیاس دیگر، احتمالاً باورهای پایدارتر و عمیق‌تر را می‌سنجند که در طول زمان شکل گرفته‌اند و برای اینکه تغییر کنند، نیاز به زمان بیشتری دارند.

واژه-کلیدها: شیوه‌های والدگری، تحول نوجوانی، ارتباط والد-نوجوان.

Abstract

Family environment and parenting style has a great effect on personality development. Lack of information about adolescents' development and parenting styles are challenges that parents encounter in their life, so a program including these two components is necessary. This study aims to examine the effect of an intervention program for improving the parent-adolescent relationship in improving the parent-youth relationship and parenting styles. The present study is a quasi-experimental design with the pre-post design. The sample includes 65 parents of preschool and primary school students in Tehran. The effectiveness of these workshops was evaluated by using Baumrind's Parenting Style Scale and the Parent-Child Relationship Inventory. Results showed that in general intervention program for improving parent-adolescent relationship had a significant effect on parenting satisfaction, but not on other subscales ($p < 0.05$). Child rearing satisfaction is a dynamic construct which relates to here and now, but five other subscales evaluate deeper and more static beliefs which have developed during the time and needs time to change.

Keywords: Parenting styles, adolescence development, parent-child relationship

Contact Information: myekta@ut.ac.ir

مقدمه

دوره نوجوانی از بحرانی‌ترین دوران زندگی است. به‌طور کلی، اکثر نظریه‌ها در این امر توافق دارند که نوجوانان با تنیدگی‌های متعددی مواجه می‌شوند و علاوه بر آن، تعارض‌های گوناگونی در رابطه والد-نوجوان ایجاد می‌شود. (کومانو و آگاروال، ۲۰۱۶). به‌طور عمده، دوران نوجوانی با احساس‌های متناقض، تحریکات فیزیولوژیکی و عواطفی پرتنش همراه است. این دوران حساس، نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری شخصیت آینده فرد دارد. احتمالاً هیچ دوره تحولی به‌اندازه دوره نوجوانی موجب سردرگمی والدین، معلمان و متخصصان بالینی نمی‌شود (کارکانیس، کوراس و کوتو، ۲۰۱۷).

خانواده یکی از عوامل مؤثر در تحول نوجوانان است (گالوتا، پلنت و ایوانز، ۲۰۱۴). خانواده به‌عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی اساس تشکیل جامعه و حفظ روابط انسانی را بر عهده دارد. پیوندهای درون خانواده، الگوهای رفتاری نوجوانان را شکل می‌دهد که آنان را در بسیاری از تصمیم‌های رفتاری و روابط اجتماعی راهنمایی می‌کند (رایت و فیتزپاتریک، ۲۰۰۶). روابط درون خانواده علاوه بر اهمیتی که در تحول کودکان دارد، در جلوگیری از مشکلات رفتاری آنان نیز نقش به‌سزایی دارد (تاسیک، بوجانواک و مجوسک، ۱۹۹۷). در یک مطالعه طولی، پژوهشگران گزارش کرده‌اند که شیوه نصیحت کردن والدین^۱، با عملکرد روانی اجتماعی کودکان در سال‌های بعد و همچنین گزارش‌های کودکان از احساس تنهایی و افسردگی ارتباط دارد (مک‌داول، ۲۰۰۳).

مداخله زیاد و مستقیم والدین، به کاهش شرکت فعال فرزند در فعالیت‌های مختلف اجتماعی و نیز کاهش ارتباط با همسالان منجر شده و ضعف در عملکرد شناختی و تحول زبان فرزند را در پی دارد. از ویژگی‌های تعامل کارآمد والد-فرزند می‌توان به احساس مسئولیت بیشتر و مداخله غیرمستقیم اشاره کرد (ماهونی، بویس، فول، اسپیکر و ویدن، ۱۹۹۸)؛ لذا شیوه‌های تربیتی و والدگری^۲ نامناسب والدین را می‌توان یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری و پایداری مشکلات رفتاری فرزندان دانست (دایز، ۲۰۰۵؛ برازا و همکاران، ۲۰۱۵). سبک والدگری، سازه‌ای روانی است که بیانگر راهبردهایی است که والدین در پرورش فرزند خود از آنان استفاده می‌کنند. کیفیت والدگری می‌تواند حتی از زمانی که با کودک

سپری می‌شود ضروری تر باشد. سبک‌های والدگری معرف نحوه پاسخگویی والدین به فرزندان هستند. فعالیت‌های والدگری، رفتارهایی ویژه هستند درحالی که سبک‌های والدگری معرف الگوهای وسیع‌تری از فعالیت‌های والدگری هستند (اسپرا، ۲۰۰۵). نظریه‌های متعددی در مورد انواع سبک‌های والدگری وجود دارد، یکی از این نظریه‌ها، نظریه سبک‌های والدگری بامریند است. وی در تحقیقات خود متوجه شد که چهار مؤلفه می‌تواند در والدگری موفق، مؤثر باشد: پاسخگویی در مقابل عدم پاسخگویی، مطالبه‌گری در مقابل عدم مطالبه‌گری. بامریند در تحقیقات خود متوجه سه سبک والدگری شد: والدگری مقتدرانه، والدگری مستبدانه و والدگری سهل‌انگارانه (سانتراک، ۲۰۰۷).

از سوی دیگر، ارتباط والد-نوجوان، به پیوند منحصر به فرد و پایدار میان مراقب و فرزندش گفته می‌شود. برای درک بهتر ارتباط والد-نوجوان، باید به تعاملات جسمی، عاطفی و اجتماعی میان آنان نگرست. ارتباطات والد-نوجوان را می‌توان به دو ریخت زیستی و فرزندخواندگی تقسیم کرد. برای اینکه بتوانیم به نحو بهتری، تحول جسمی، شناختی-اجتماعی را مورد توجه قرار دهیم، بررسی ارتباط میان والد-نوجوان از اهمیت بسیاری برخوردار است (کوچندورفر و کرنز، ۲۰۱۷).

نظریه‌های یادگیری اجتماعی و اجتماعی شدن تأکید زیادی بر دخالت رفتارها و بازخورد خانوادگی در ایجاد مشکلات فرزندان دارند (زاده محمدی و احمدآبادی، ۱۳۸۸). خوشبختانه، سبک والدگری مناسب را می‌توان به والدین آموزش داد، به طوری که، فرگاج و دگامو (۱۹۹۹) توانستند با استفاده از تمرینات والدگری در یک الگوی کودک محور، سازگاری کودک را به طور غیرمستقیم بر اساس گزارش معلم افزایش دهند. جلالی، شعیری، طهماسیان و پور احمدی (۱۳۸۸) نیز در پژوهش خود توانستند با آموزش برنامه والدگری مثبت، شیوه‌های والدگری ناکارآمد مادران کودکان مبتلا به نافرمانی مقابله‌ای را تغییر دهند. همچنین بیرامی (۱۳۸۸) توانسته است سبک والدگری مقتدرانه را با استفاده از یک برنامه آموزشی به والدین کودکان مبتلا به اختلالات برونی شده^۳ افزایش داده و سبک‌های نامناسب والدگری را کاهش دهد.

با توجه به آنچه گفته شد، از جمله مشکلاتی که والدین با آن مواجه هستند، کمبود اطلاعات در مورد تغییرات تحولی طبیعی در دوره نوجوانی و کمبود اطلاعات در مورد

شیوه‌های والدگری است؛ بنابراین وجود برنامه‌ای که هر دو این مؤلفه‌ها را با هم ترکیب کند ضروری است. در نتیجه، هدف پژوهش، بررسی این نکته است که آیا برنامه مداخله‌ای بهبود روابط والدین و نوجوانان بر شیوه‌های والدگری و رابطه والد-نوجوان تأثیرگذار است یا خیر.

فرضیه پژوهش

برنامه مداخله‌ای بهبود روابط والدین و نوجوانان بر شیوه‌های والدگری و رابطه والد-نوجوان تأثیرگذار است.

تعاریف مفهومی و عملی متغیرها:

۱- شیوه‌های والدگری: سبک والدگری، سازه‌ای روانی است که بیانگر راهبردهایی که والدین در پرورش فرزند خود از آنان استفاده می‌کنند، می‌باشد. (اسپرا، ۲۰۰۵).

در این پژوهش، شیوه‌های والدگری از طریق نمره‌ای که شرکت‌کنندگان در مقیاس شیوه والدگری بامریند می‌گیرند، اندازه‌گیری می‌شود.

۲- رابطه والد-نوجوان: ارتباط والد-نوجوان، به پیوند منحصر به فرد و پایدار میان والد و فرزندش گفته می‌شود (کوچندورفر و کرنز، ۲۰۱۷).

در این پژوهش، ارتباط والد-نوجوان از طریق نمره‌ای که شرکت‌کنندگان در سیاهه رابطه والد-کودک جرارد می‌گیرند، اندازه‌گیری می‌شود.

روش

طرح پژوهش: در پژوهش حاضر، با توجه به وجود یک گروه آزمایشی و اجرای پیش‌آزمون و پس‌آزمون، از طرح شبه‌آزمایشی^۴ با پیش‌آزمون-پس‌آزمون تک‌گروهی^۵ استفاده شده است. صورت نمادین این طرح به صورت زیر است:

E	T_1	x_1	T_2
---	-------	-------	-------

جامعه آماری، گروه نمونه و روش نمونه‌گیری: جامعه آماری والدین دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و دبستانی مدارس غیرانتفاعی شهر تهران بودند. گروه نمونه شامل ۶۵ نفر از جامعه

هدف بودند که به صورت گروه در دسترس در پژوهش حاضر شرکت کردند. والدین در پی فراخوانی بوسیله مسئولان مدرسه در زمینه شرکت در کارگاه آموزشی با عنوان «تحول نوجوان» اعلام آمادگی نمودند و در یک جلسه توجیهی که از طرف مسئولان برگزار شد، کارگاه‌ها، ترتیب داده بودند شرکت کردند. در این جلسه اهداف، شیوه برگزاری و خلاصه‌ای از موضوعات موجود در محتوای کارگاه‌ها معرفی شد و در پایان این جلسه توجیهی از والدینی که داوطلب شرکت در کارگاه‌ها بودند، ثبت‌نام به عمل آمد. کارگاه‌ها هفته‌ای یک‌بار، در ۵ جلسه ۲ ساعته برگزار شدند. در طی هر کارگاه مجریان مجرب و آموزش‌دیده به آموزش والدین و حل مشکلات احتمالی ایشان در انجام تمرین‌ها و در ارتباط با نوجوانان می‌پرداختند. در اولین جلسه و قبل از شروع آموزش و همچنین در انتهای جلسات و پس از اتمام ارائه کلیه آموزش‌ها، والدین به ابزارهای پژوهش پاسخ دادند.

کارگاه آموزشی تحول نوجوانان: کارگاه آموزشی تحول نوجوان برای والدینی طراحی شده است که فرزندانشان در اوایل دوره نوجوانی (۱۲ تا ۱۵ سالگی) هستند و به اقتضای سن خود رفتاری طبیعی دارند. کارگاه ۵ جلسه دوساعته است که در جلسات اول و آخر آن پیش‌آزمون و پس‌آزمون اجرا گردیده است. لازم به ذکر است که در پایان هر جلسه یک کلیپ اخلاقی / تربیتی به مدت چند دقیقه برای مخاطبین پخش می‌شود. هدف این مجموعه ارائه اطلاعاتی از ویژگی‌های طبیعی این دوران و آموزش شیوه‌های مؤثر برای برخورد‌های مستمری است که با نوجوانان در این دوران پیش می‌آید؛ به گونه‌ای که مدیریت خانواده را ساده‌تر سازد و درگیری‌های روزمره را کاهش دهد.

ابزارهای پژوهش:

مقیاس شیوه والدگری بامریند: مقیاس شیوه والدگری بامریند^۶ اقتباسی است از نظریه اقتدار والدین که بر اساس نظریه «بامریند» از سه الگوی سهل‌انگارانه، مستبدانه و مقتدرانه والدین جهت بررسی الگوهای فراگیر و شیوه‌های والدگری ساخته شده است. این پرسشنامه دارای سی آیتم است که ده آیتم آن به شیوه سهل‌انگارانه، ده آیتم به شیوه مستبدانه و ده آیتم دیگر به شیوه مقتدرانه به امر پرورش فرزند مربوط می‌شود. در این پرسشنامه آزمودنی‌ها با مطالعه هر آیتم نظر خود را با علامت ضربدر بر حسب یک مقیاس ۵ درجه‌ای مشخص می‌کنند که از ۰ تا ۴ (کاملاً مخالفم = ۰، تا کاملاً

موافقم = ۴) نمره گذاری می‌شود و با جمع نمرات، سه نمره مجزا در روش‌های سهل‌انگارانه، مستبدانه و مقتدرانه برای هر آزمودنی به دست می‌آید. اسفندیاری (۱۳۷۴) قابلیت اعتماد به روش بازآزمایی این پرسشنامه را برای خرده‌مقیاس روش سهل‌انگارانه ۰/۶۹، برای خرده‌مقیاس روش مستبدانه ۰/۷۷ و برای خرده‌مقیاس روش مقتدرانه ۰/۷۳ گزارش کرده است.

سیاهه رابطه والد-کودک: سیاهه رابطه والد-کودک^۷ توسط جرارد (۱۹۹۴) ساخته شده و شامل ۷۸ آیتم، ۷ خرده‌مقیاس اصلی و یک خرده‌مقیاس اعتباری است. شیوه پاسخ‌دهی به آن در مقیاس لیکرت چهاردرجه‌ای (هرگز=۱ تا همیشه=۵) است. این پرسشنامه رابطه میان والدین و فرزندان را ارزیابی می‌کند و توسط والدین تکمیل می‌شود. حمایت والدینی^۸، رضایت از والدگری^۹، مشارکت^{۱۰} در والدگری، ارتباط^{۱۱} با فرزند، ایجاد محدودیت^{۱۲}، خودپیروی^{۱۳} و جهت‌گیری نقش^{۱۴} از مقیاس‌های اصلی و مقبولیت اجتماعی^{۱۵} مقیاس روایی است. ضریب همسانی درونی گزارش شده برای این ابزار ۰/۸۲ و ضریب بازآزمایی آن ۰/۸۱ است. در این پژوهش با توجه به اهداف آن فرم کوتاه از این سیاهه که شامل ۳۱ آیتم است و خرده‌مقیاس‌های ارتباط با فرزند، ایجاد محدودیت و رضایت از والدگری را شامل می‌شود، مورد استفاده قرار گرفته است.

داده‌ها و یافته‌ها

یافته‌ها حاکی از آن بود که از ۶۵ نفر شرکت‌کننده در دوره آموزشی، ۲۶ نفر (۳۹/۱ درصد) از این مادران شاغل و ۳۹ نفر (۶۰/۹ درصد) غیر شاغل بودند؛ تحصیلات ۲۷ نفر (۴۱/۹ درصد) دیپلم و فوق‌دیپلم، ۳۵ نفر (۵۴/۸ درصد) کارشناسی و ۳ نفر (۳/۲ درصد) کارشناسی ارشد و بالاتر بود. میانگین سن مادران ۳۷/۳۲ سال (با انحراف معیار ۶/۸۱)؛ میانگین سن فرزندان آن‌ها ۱۲/۰۳ سال (با انحراف معیار ۵/۵۲) و دامنه تعداد فرزندان آن‌ها بین ۱ تا ۳ سال با میانگین ۲/۰۸ (انحراف معیار ۰/۴۸) بود. میانگین و انحراف معیار نمره‌های شرکت‌کنندگان در مقیاس شیوه والدگری و سیاهه رابطه والد-کودک در مراحل پیش و پس‌آزمون در جدول شماره (۱) ارائه شده است.

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار نمره‌های شرکت‌کنندگان در مقیاس شیوه والدگری و سیاهه رابطه والد-کودک در مراحل پیش و پس‌آزمون

پس‌آزمون		پیش‌آزمون		خرده‌مقیاس	مقیاس
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین		
۴/۷۱	۴۱/۹۹	۴/۸۴	۴۱/۱۴	رضایت از والدگری	ارتباط والد-فرزند
۳/۵۰	۳۳/۶۷	۳/۴۹	۳۳/۵۱	ارتباط با فرزند	
۳/۹۳	۳۳/۸۷	۴/۹۱	۳۳/۲۹	ایجاد محدودیت	
۴/۶۱	۱۶/۳۳	۴/۷۱	۱۵/۳۹	سهل‌انگارانه	شیوه والدگری
۴/۹۷	۱۲/۲۶	۴/۰۶	۱۱/۴۹	مستبدانه	
۴/۰۲	۳۳/۲۶	۳/۹۹	۳۲/۵۴	مقتدرانه	

یافته‌های توصیفی حاصل از گروه نمونه بر اساس مقیاس ارتباط والد-کودک نشان می‌دهند که شرکت در کارگاه آموزشی، در مرحله پس‌آزمون نسبت به مرحله پیش‌آزمون به افزایش میانگین در اکثر خرده‌مقیاس‌های این مقیاس منجر شده است. این در حالی است که داده‌های حاصل از مقیاس شیوه والدگری بامریند نیز نشان از افزایش میانگین خرده‌مقیاس‌های والدگری است.

همان‌طور که پیش‌تر بدان اشاره شد، فرضیه نخست عبارت است از: برنامه مداخله‌ای بهبود روابط والدین و نوجوانان بر شیوه‌های والدگری والدین تأثیرگذار است. برای تحلیل داده‌های پژوهش و آزمون وجود یا عدم وجود تفاوت معنادار آماری در بین میانگین‌های خرده‌مقیاس‌های مراحل پیش و پس‌آزمون از تحلیل اندازه‌گیری‌های مکرر^{۱۶} استفاده شد.

جدول ۲: بررسی معناداری تفاوت میان گروه آزمایشی و گواه در مقیاس رابطه والد-کودک

مربع ایثاری سهمی	سطح معناداری	نسبت F	درجات آزادی	نوع سوم مجموع مجذورات	خرده‌مقیاس
۰/۰۶	۰/۰۴	۴/۱۴	۱	۲۳/۲۷	رضایت از والدگری
۰/۰۰۳	۰/۶۶	۰/۱۹	۱	۰/۹۳	ارتباط با فرزند
۰/۰۲	۰/۲۵	۱/۳۶	۱	۱۰/۹۰	ایجاد محدودیت

همان‌طور که در جدول شماره (۲) مشاهده می‌شود، نتایج حاصل از داده‌های مقیاس ارتباط والد-کودک (با سه خرده‌مقیاس) نشان داد نیم‌رخ میانگین‌های دو مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون تفاوت معناداری از هم ندارند. بررسی نتایج آزمون اثر بین آزمودنی‌ها^{۱۳} هم نشان داد که در بین این دو مرحله تنها میانگین خرده‌مقیاس رضایت از والدگری تفاوت معناداری در سطح $p < 0/05$ دارند (جدول شماره ۲). اندازه اثر مربوط به این خرده‌مقیاس‌ها در دامنه ضعیف قابل‌طبقه‌بندی است. فرضیه دوم عبارت است از: برنامه مداخله‌ای بهبود روابط والدین و نوجوانان بر رابطه والد-نوجوان تأثیرگذار است. برای تحلیل داده‌های پژوهش و آزمون وجود یا عدم وجود تفاوت معنادار آماری در بین میانگین‌های خرده‌مقیاس‌های مراحل پیش و پس‌آزمون از تحلیل اندازه‌گیری‌های مکرر استفاده شد.

جدول ۳: بررسی معناداری تفاوت میان گروه آزمایشی و گواه در مقیاس شیوه‌های والدگری

خرده‌مقیاس	نوع سوم مجموع مجدورات	درجات آزادی	نسبت F	سطح معناداری	مربع ای‌تای سهمی
سهل‌انگارانه	۲۹/۹۸	۱	۲/۶۵	۰/۱۱	۰/۰۴
مستبدانه	۱۹/۰۹	۱	۲/۰۳	۰/۱۶	۰/۰۳
مقتدرانه	۱۶/۸۸	۱	۲/۳۳	۰/۱۳	۰/۰۳

یافته‌های ارائه‌شده در جدول شماره (۳) نشان می‌دهد هیچ‌یک از خرده‌مقیاس‌های شیوه‌های والدگری تفاوت آماری معناداری نشان نمی‌دهد. این یافته بدین معنا است که آموزش استفاده‌شده در پژوهش حاضر نتوانسته بر شیوه‌های والدگری مؤثر باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

محیط خانواده و برخورد والدین با نوجوان تأثیر به‌سزایی در تکوین شخصیت فرد می‌گذارد (زارعی، ۱۳۸۹). آموزش خانواده یکی از مهم‌ترین راهبردهای پیشگیری از اختلال‌های دوران کودکی و نوجوانی و بهبود روابط خانوادگی است (شکوهی‌یکتا و پرند، ۱۳۸۷a). به‌طوری‌که پژوهش‌های تجربی اخیر بر مشخص کردن فرایند علت‌شناسی از طریق

بررسی رفتار والدین که با تحول نوجوان مرتبط است، صحنه گذاشته‌اند (رپینسکی و شونک، ۲۰۰۲). از این رو این پژوهش با هدف آگاهی دادن خانواده‌ها درباره تحول نوجوان و بررسی اثربخشی این برنامه بر بهبود شیوه‌های والدگری و رابطه والد-نوجوان انجام گرفت.

اکثر پژوهش‌های که درباره آموزش شیوه‌های مؤثر والدگری انجام گرفته‌اند، تأثیرگذار بوده‌اند (به‌عنوان مثال الیزور، سامچ و وینکور، ۲۰۱۷؛ موریک، کرون، وولف و ریس، ۲۰۱۷). همچنین شکوهی یکتا و پرند (۱۳۸۷b) اظهار داشته‌اند که برنامه‌های آموزش والدگری، موجب کاهش مشکلات رفتاری کودکان و بهبود توانش‌های والدگری شده است. همچنین، بیرامی (۱۳۸۸) توانسته است سبک والدگری مقتدرانه را به والدین کودکان مبتلا به اختلالات برونی‌شده افزایش داده و سبک‌های نامناسب والدگری را کاهش دهد. در پژوهشی دیگر، روب و نرفر (۱۹۸۰)، دریافت والدینی که در برنامه آموزشی شرکت کرده بودند، اعتماد بیشتری را نسبت به توانایی خود به‌عنوان والد داشتند، آگاهی بیشتری نسبت به مدیریت کودک خود پیدا کردند و ارتباط مطمئن‌تری با فرزندان داشتند. همچنین یافته‌های گسترده‌ای حاکی از اثربخشی و تأثیر مثبت برنامه‌های آموزش کارایی والدین^{۱۸} است (شولتز، نیستل و لو، ۱۹۸۰؛ وود و دیویدسون، ۲۰۰۰؛ ۲۰۰۳). این برنامه‌ها با هدف تسهیل آموزش توانش‌های ارتباط خانوادگی طراحی شده است (وود و دیویدسون، ۲۰۰۰). در مجموع، پیشینه نشان می‌دهد که مداخله‌های درمانی می‌تواند برای والدین و همچنین نوجوانان آن‌ها مؤثر واقع شود.

یافته‌های پژوهش حاضر، نشان داد برنامه مداخله‌ای اثرات مثبتی را بر رابطه نوجوان و والدین و سبک والدگری داشته است، به‌طوری که میانگین نمرات آزمودنی‌ها در پس‌آزمون افزایش داشته است، اگرچه این اثرات از لحاظ آماری تنها برای خرده‌مقیاس ارتباط با فرزند سیاهه والد-کودک معنادار بود. یافته‌های این پژوهش و معنادار نشدن بیشتر تأثیرها را شاید بتوان به عدم انتخاب مناسب ابزارهای مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌ها نسبت داد. به عبارت دیگر ممکن است این برنامه اثر معناداری را بر حیطه‌هایی داشته است که این ابزارها آن را نتوانسته‌اند نشان دهند.

از سوی دیگر به نظر می‌رسد خرده‌مقیاس‌های ایجاد محدودیت و ارتباط با فرزند در سیاهه ارتباط والد-کودک و خرده‌مقیاس‌های والدگری ویژگی مشترکی دارند که متفاوت از

خرده‌مقیاس رضایت از والدگری در سیاهه ارتباط کودک است. خرده‌مقیاس رضایت از والدگری، سازه‌ای را در برمی‌گیرد که از پویایی بیشتری برخوردار است و می‌تواند به زمان حال مربوط شود و تغییر را بپذیرد، اما پنج خرده‌مقیاس دیگر، احتمالاً باورهای پایدارتر و عمیق‌تر را می‌سنجند که در طول زمان شکل گرفته‌اند و برای اینکه تغییر کنند، نیاز به زمان بیشتری دارند. در واقع، والدین چندین سال با این شیوه، فرزندان خویش را پرورش داده‌اند و مسلماً به آن عادت کرده‌اند، پس احتمالاً نیاز به زمان و تمرینات بیشتری دارند.

عامل دیگری که می‌تواند علت عدم تأثیرگذاری این مداخله باشد، تفاوت‌های فردی موجود در نوجوانان است. چراکه در مداخله نامبرده، تنها از ویژگی‌های تحولی کلی نوجوانان بحث می‌شود و به این عوامل جزئی اشاره‌ای نمی‌شود. علت دیگر می‌تواند این باشد که والدین ممکن است در مقابل این تغییرات در سبک والدگری مقاوم باشند یا اعتقادی به تأثیرگذاری آن‌ها نداشته باشند.

در پژوهش حاضر، محتوای کارگاه، بر ارتباط والد-کودک و ویژگی‌های تحول در دوره نوجوانی متمرکز شده است، اما، به شیوه‌های والدگری و افراط و تفریط در رفتارهای مرتبط با تربیت نوجوان تأکید نشده است و این شاید بتواند عدم تأثیرگذاری این برنامه را بر شیوه‌های والدگری و خرده‌مقیاس ایجاد محدودیت توجیه کند.

در ضمن متغیرهای واسطه‌ای ممکن است بر نتایج برنامه‌های آموزش والدین تأثیر بگذارند، به این ترتیب، متغیرهای دیگری نیز ممکن است در شیوه‌های والدگری دخیل باشند، از جمله: سلامت روانی والدین (لوجوی، گراکزیک، اوهار و نومن، ۲۰۰۰؛ فیلد، ۱۹۹۵). برای مثال، آدام، گانار و تاناکا (۲۰۰۴)، در پژوهشی اظهار داشته‌اند والدینی که سطوح بالای اضطراب و هیجانات منفی را نشان می‌دهند، به‌طور معناداری میزان بالاتری از عصبانیت و مداخله‌گری را در والدگری نشان می‌دهند. از این رو به پژوهشگران علاقه‌مند پیشنهاد می‌شود که با مطالعه متغیرهای واسطه‌ای و بررسی رابطه آن‌ها با متغیرهای وابسته و مستقل زمینه را برای طراحی برنامه‌های مداخله‌ای گسترده‌تر فراهم آورند.

این پژوهش محدودیت‌هایی را نیز دارد که از آن جمله می‌توان به اجرای کارگاه برای نمونه‌های در دسترس اشاره کرد؛ این امر تعمیم‌پذیری یافته‌ها را محدود می‌کند. محدودیت

دیگر، عدم به‌کارگیری گروه گواه به‌منظور مقایسه آن‌ها با گروه آزمایشی است. همچنین از دیگر محدودیت‌های این پژوهش، می‌توان به نبود یک ارزیابی پیگیرانه اشاره کرد، چنانکه ذکر گردید، متغیر والدگری ممکن است با گذشت زمان و تمرین و ممارست والدین تغییر کند و این اثر ممکن است در بررسی پیگیرانه خود را نشان دهد.

پی‌نوشت‌ها:

- | | |
|--|-------------------------------------|
| 1- Parental advise giving style | 2- Parenting |
| 3- externalizing | 4- Quasi experimental |
| 5- One group with pre-post design | 6- Baumrind's Parenting Style Scale |
| 7- Parent-Child Relationship Inventory | 8- Parental support |
| 9- Satisfaction with parenting | 10- Involvement |
| 11- Communication | 12- Limit setting |
| 13- Autonomy | 14- Role orientation |
| 15- Social desirability | 16- Repeated measure |
| 17- Between subject effect | 18- Parent Effectiveness Training |

منابع و مآخذ فارسی:

- اسفندیاری، غلامعلی. (۱۳۷۴). مقایسه شیوه‌های والدگری مادران در دو گروه کودکان مبتلابه اختلال رفتار و تأثیر آموزش مادران در کاهش اختلال رفتاری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، انستیتوی تحقیقات روان‌پزشکی تهران.
- بیرامی، منصور. (۱۳۸۸). تأثیر آموزش توانش‌های والدگری به مادران پسران دبستانی مبتلابه اختلالات برونی‌سازی شده بر سلامت روانی و شیوه‌های تربیتی آن‌ها. مجله علمی پژوهشی اصول بهداشت روانی، ۲، ۱۱۴-۱۰۵.
- جلالی، محسن، شعیری، محمدرضا، طهماسیان، کارینه، و پور احمدی، الناز. (۱۳۸۸). تأثیر آموزش برنامه والدگری مثبت بر کاهش علائم کودکان مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله‌ای. دو ماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه شاهد، ۳۴، ۳۸-۲۹.
- زاده‌محمدی، علی، و احمدآبادی، زهره. (۱۳۸۸). بررسی رفتارهای پرخطر در میان نوجوانان، راهکارهایی برای پیشگیری از جرم در محیط خانواده. خانواده پژوهشی، ۵(۴)، ۴۸۵-۴۶۷.

اثربخشی برنامه مداخله‌ای روابط والد-نوجوان بر تعاملات بین‌نسلی خانوادگی

- زارعی، اقبال. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین شیوه‌های والدگری والدین با ارتکاب نوجوانان به رفتارهای پرخطر بر اساس مقیاس کلونینگر. *مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ۱۸(۳)*، ۲۲۴-۲۲۰.
- شکوهی یکتا، محسن و پرند، اکرم. (۱۳۸۷). اثربخشی آموزش شیوه‌های فرزندپروری به والدین، فصلنامه پژوهش‌های تربیتی دانشگاه تربیت معلم، ۲(۱۳ و ۱۴)، ۸۹-۷۱.
- شکوهی یکتا، محسن و پرند، اکرم. (۱۳۸۷). آموزش راهبردهای شناختی به مادران و تأثیر آن بر روابط خانوادگی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۳(۴)*، ۱۶-۵.

منابع و مآخذ خارجی:

- Adam, E. K., Gunnar, M. R., & Tanaka, A. (2004). Adult attachment, parent emotion, and observed parenting behavior: Mediator and moderator models. *Child Development, 75(1)*, 110-122.
- Baumrind, D. (1991). *Effective parenting during the early adolescent transition*. Millsdale NJ: Erlbaum.
- Braza, P., Carreras, R., Munoz, J. M., Braza, F., Azurmendi, A., Pascual-Sagastizabal, E., Cardas, J., & Sanchez-Martin, J. R. (2015). *Journal of Child and Family Studies, 24*, 847-856.
- Diaz Y. (2005). *Association between parenting and child behavior problems among mothers and children* [dissertation]. University of Maryland.
- Elizur, Y., Somech, L.Y., & Vinkur, A.D. (2017). Effects of parent training on callous-unemotional traits, effortful control, and conduct problems: Mediation by parenting. *Journal of Abnormal Child Psychology, 45*, 15-26.
- Field, T. (1995). *Psychologically depressed parents*. In M. H. Bornstein (Ed.), *Handbook of parenting, Vol. 4: Applied and practical parenting* (pp. 85-99). Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Forgatch, M.S., & DeGarmo, D.S. (1999). Parenting through change: An affective prevention program for single mother. *Journal of Consulting and Clinical Psychology, 67(5)*, 711-724.
- Gerard, A. B. (1994). *Parent-Child Relationship Inventory (PCRI) Manual*. Los Angeles, Western psychological services (WPS).
- Gullotta, T.P., Plant, R.W., & Evans, M.A. (2014). *Handbook of behavioral problems*. Springer.

- Karkanis, A., Kouros, J., & Kotta, D. (2017). Erratum to: Family support and substance abuse during puberty. *Annals of General Psychiatry, 16*.
- Kochendorfer, L., & Kerns, K. (2017). Perceptions of parent-child attachment relationships and friendships qualities: Predictors of romantic relationship involvement and quality in adolescence. *Youth Adolescence*.
- Kumano, P., & Agrawal, A. (2016). *Puberty: Pshysiology and abnormalities*. Springer.
- Lovejoy, M.C., Graczyk, P.A., O'Hare, E., & Neuman, G. (2000). Maternal depression and parenting behavior: A meta-analytic review. *Clinical Psychology Review, 20*, 561-592.
- Mahoney, G., Boyce, G., Spiker, D., & Wheeden, C.A. (1998). The relationship of parent-child interaction to the effectiveness of early intervention services for at-risk children and children with disabilities. *TECSE, 18(1)*: 5-7.
- McDowell, D.J. (2003). Differences between mother's and father's advice-giving styles content: relations with social competence and psychological behavior in middle childhood. *Merrill-Palmer Quarterly, 49(1)*: 55-76.
- Montemayor, R. (1983). Parent and adolescent in conflict: All families some of the time and some families most of the time. *Journal of early adolescence, 3*, 83-103.
- Mourik, K.V., Crone, M.R., Wolff, M.S., & Reis, R. (2017). Parent training programs for ethnic minorities: A meta-analysis of adaptations and effect. *Prevention Science, 18(1)*, 95-105.
- Repinski, D., & Shonk, S.M. (2002). Mothers' and fathers' behavior, adolescents' self-representations, and adolescents' adjustment: A mediational model. *Journal of Early Adolescence, 22*, 357-383.
- Rob, M., & Norfor, J. (1980). Parenting: can skills be learned?. *Australian Journal of Social Issues, 15(3)*, 189-193.
- Santrock, J.W. (2007). *A topical approach to life-span development, third Ed*. New York: McGraw-Hill.
- Schultz, C.L., Nystul, M.S., & Law, H.G. (1980). Attitudinal outcomes of theoretical models of parent group education. *Journal of Individual Psychology, 36, 1*, 16-28.
- Spera, C. (2005). A review of the relationship among parenting practices, parenting styles, and adolescent school achievement. *Educational Psychology Review, 17(2)*: 125-146.
- Tasic, D., Budjanovac, A., & Mejovsek, M. (1997). Parent-child communication behaviorally disordered and normal adolescents. *Psicothema, 9(3)*: 547-554.
- Wood, C.D. & Davidson, J.A. (2003). Helping families cope: A fresh look at parent effectiveness training. *Family Matters, 65*, 28-33.

- Wood, C.D., & Davidson, J.A. (2000). The way we talk to our children: PET Australian style. *Australian Journal of Psychology*, 52, 122.
- Wood, C.D. & Davidson, J.A. (2003). Managing family conflict. *Australian Journal of Psychology*, 55.
- Wright, D.R., & Fitzpatrick, K.M. (2006). Social capital and adolescent violent behavior: Correlates of fighting and weapon use among secondary school students. *Social Forces*, 84(3), 1435-1453.

